

Explaining the Iranian Constitutional Movement based on Crane Brinton's Theory of Revolution

Mehdi Faraji*

Behzad Ghasemi**

Abstract

The present article seeks to explain the causes of constitutionalism in Iran based on Crane Brinton's theory of revolution, using a combined approach and method, citing historical evidence, including historiographical sources, memoirs, travelogues, and the press. Brinton's theory of revolution is important because it examines the four great revolutions (France, Russia, Britain, and the United States). The method of the article is historical and theory has been used to explain the developments. Findings indicate that among the preliminary signs that Brinton considers in his theory of revolution, the components of "inefficiency of the government machine", and "change of allegiance of enlightened thinkers" have played a role in the occurrence of Iranian constitutionalism. . The signs of "economic growth," "class strife," and "surprising failure to use force" did not conform to Iranian constitutionalism, and contrary to Brinton's theory, the government and the people were in a difficult economic situation. There was no class conflict in the constitutional movement, and despite the violence in the Grand Mosque and the events leading up to Kobra's migration, due to the dominance of the negotiation process and the Shah's pressure and support for the constitutionalists, it can be said that force was used in the Iranian constitutional movement. And there is no military force to suppress the protesters.

* Assistant Professor of History, University of Tabriz, (Corresponding Author),
mehdi_faraji1361@yahoo.com

** Assistant Professor of History of Imam Hussein University, ghasemi.b@ihu.ac.ir

Date received: 2021/05/05, Date of acceptance: 2021/08/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲۰۰ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

The course of events of the movement and its adaptation to Brinton's theory and the four great revolutions show that the Iranian constitutionalism was not a revolution but a movement

Keywords: Iranian Constitutionalism, Theory of Revolution, Crane Brinton, Movement.

تبیین جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان براساس نظریه انقلاب کرین بریتون

مهدی فرجی*

بهزاد قاسمی**

چکیده

مقاله حاضر درصدد است تا با رویکرد و روشی تلفیقی و با استناد به شواهد تاریخی از جمله منابع تاریخ‌نگاری، خاطرات، سفرنامه‌ها، و مطبوعات به تبیین عوامل وقوع مشروطیت در ایران (۱۳۲۴ق) براساس نظریه انقلاب کرین بریتون بپردازد. نظریه انقلاب بریتون از این جهت مهم است که به بررسی چهار انقلاب بزرگ (فرانسه، روسیه، انگلیس، و آمریکا) دنیا پرداخته است. روش مقاله تاریخی است و از نظریه به‌منظور تبیین تحولات استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که از بین نشانه‌های مقدماتی، که بریتون در نظریه انقلاب خود برمی‌شمارد، مؤلفه‌های «ناکارآمدی ماشین حکومت» و «تغییر بیعت منورالفرکان» در وقوع مشروطیت ایران نقش ایفا کرده‌اند. نشانه‌های «رشد اقتصادی»، «منازعه طبقاتی»، و «ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور» با مشروطیت ایران انطباق نداشتند و برعکس نظریه بریتون، حکومت و مردم در شرایط اقتصادی سختی بودند. در جنبش مشروطیت، تضاد طبقاتی هم مشاهده نشد و باوجود خشونت در ماجرای مسجد جامع و حوادث منتهی به مهاجرت کبری، به‌دلیل غلبه جریان مذاکره و فشار و همراهی شاه با مشروطه‌خواهان می‌توان گفت که در جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان، کاربرد زور و قوای نظامی برای سرکوب معترضان مشاهده نمی‌شود. مطالعه روند حوادث و تطبیق آن با نظریه

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، mehdi_faraji1361@yahoo.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، ghasemi.b@ihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸



بریتون و چهار انقلاب بزرگ نشان از آن دارد که مشروطه‌خواهی ایرانیان نه انقلاب، بلکه جنبش بوده است.

کلیدواژه‌ها: مشروطه‌خواهی ایرانیان، نظریه انقلاب، کرین بریتون، جنبش.

۱. مقدمه

بیداری ایرانیان و میل به اصلاحات از جنگ‌های ایران و روس شروع شده است و مشروطه‌خواهی ایرانیان (۱۳۲۴ق) اولین تجربه تحول‌خواهی در زمینه قانون‌گذاری و محدود کردن اختیارات نامحدود پادشاه بود. امروزه بررسی و تبیین جریان مشروطه‌خواهی از ابعاد مختلف و با تکیه بر نظریه‌های انقلاب ضرورت پژوهشی دارد. اگرچه مشروطیت ایران از دیدگاه‌های مختلفی ارزیابی شده است، این مقاله در نظر دارد تا با تکیه بر «نشانه‌های مقدماتی انقلاب» مندرج در نظریه کرین بریتون به تبیین عوامل قریب در وقوع جنبش مشروطیت ایران بپردازد. امر توصیف، تطبیق، و تبیین با ارائه مصادیق و شواهد لازم از منابع اصلی دوره مشروطیت شامل منابع تاریخ‌نگاری، خاطرات، سفرنامه‌ها، و مطبوعات انجام خواهد گرفت.

مقاله حاضر برای پاسخ‌دهی به این سؤال اساسی سامان یافته است که براساس نظریه انقلاب کرین بریتون، نشانه‌های مقدماتی و قریب‌الوقوع انقلاب مشروطه ایران کدام‌اند و کدام نشانه‌ها در جریان انقلاب مشروطه ایران و سایر انقلاب‌های بزرگ به صورت مشترک وجود داشته‌اند؟ بریتون در خصوص چهار انقلاب (آمریکا، انگلستان، فرانسه، و روسیه) بر این باور است که هم‌سانی‌های معینی (نشانه‌های یک‌نواختی) در انقلاب‌های مزبور وجود دارد که آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و از بررسی سایر انقلاب‌ها (به جز این چهار کشور) اجتناب شده است. در تحقیق حاضر، هدف از تبیین جنبش مشروطیت به وسیله نظریه بریتون تبیین اشتراکاتی است که در انقلاب‌های بزرگ دنیا وجود داشته است و برای تبیین ماهیت مشروطه‌خواهی ایرانیان نیز کاربرد دارد.

در خصوص ادبیات تحقیق باید گفت که برخی پژوهش‌گران در لابه‌لای آثار خود به بررسی مشروطیت ایران براساس برخی مؤلفه‌های نظریه بریتون پرداخته‌اند. نخست مقاله «مشروطه‌خواهی و نقش زور در آن برپایه یافته‌های نظری کرین بریتون» اثر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده و ابراهیم دارابی است. این مقاله نشانه‌های وقوع انقلاب را بیان‌گر کاربرد زور از طرف حاکمیت قاجار نشان داده است (امام‌جمعه‌زاده و دارابی ۱۳۸۹) که با نتایج مقاله

حاضر هم‌سویی ندارد. مقاله دیگر با عنوان «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون» اثر بهرام نوازنی است (نوازنی ۱۳۸۵). از نظر نوازنی، نظریه بریتون در مورد مشروطه در زمینه «کاربرد زور در انقلاب» تا اندازه زیادی مورد تأیید قرار گرفته است. این رویکرد تحلیلی به تحلیل تاریخی مبتنی بر منابع اصلی نیاز دارد. تحقیق حاضر در تبیین عوامل وقوع مشروطیت ایران تمام «نشانه‌های مقدماتی» مورد نظر نظریه بریتون را تطبیق و تحلیل خواهد کرد.

۲. ره‌یافت نظری پژوهش

نظریه انقلاب‌ها و نظریه کرین بریتون در کالبدشکافی چهار انقلاب چه اهمیتی در تبیین روی داده‌های تاریخی دارند؟ نظریه‌ها و ره‌یافته‌های انقلاب در صدد تبیین عوامل بروز یک انقلاب یا جنبش در جامعه هستند. توصیف، تبیین، تفسیر، تحلیل، یا سنجش و ارزیابی یک انقلاب بر اساس نظریه ابعاد و جنبه جدیدی از روی داد را آشکار می‌کند. گرچه از نظر بریتون مفهوم انقلاب دقیق نیست، کاربرد آن را به دگرگونی شدید، ناگهانی، و همراه با خشونت بیان کرده است. نظریه بریتون مراحل وقوع و فرایند انقلاب‌ها را در دو قسمت بررسی کرده است. قسمت اول «نشانه‌های مقدماتی» و «عوامل قریب‌الوقوع انقلاب» است و قسمت دوم بر اساس این نظریه انقلاب‌ها در سیر تحولات خود چهار مرحله را به‌طور کلی پشت‌سر خواهند گذاشت (بریتون ۱۳۶۳: ۲۵۴-۲۶۹). در این مقاله جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان بر اساس قسمت اول نظریه کرین بریتون بررسی شده است. به‌منظور تبیین نشانه‌های مقدماتی مشروطه‌خواهی ایرانیان بر اساس نظریه مذکور، عمدتاً وقایع و داده‌های ده سال منتهی به صدور فرمان مشروطیت به‌ویژه ماه‌های پایانی مورد توجه قرار گرفته است. به‌دلیل تفاوت در ماهیت انقلاب آرام و انقلاب خونین، رخدادهای پس از صدور فرمان مشروطیت در این پژوهش مورد بررسی و تطبیق قرار نگرفته و مقاله حاضر بر اساس نشانه‌های مقدماتی مدنظر بریتون به‌صورت تطبیقی تبیین شده است.

۳. نشانه‌های مقدماتی انقلاب

انقلاب در ره‌یافت نظری بریتون شامل رژیم‌های انگلستان، آمریکا، فرانسه، و روسیه (۱۹۱۷) بوده است که در زمینه علل وقوع انقلاب مشابهت زیادی داشتند. در ادامه، به نشانه‌های وقوع انقلاب در نظریه بریتون به‌صورت خلاصه پرداخته می‌شود.

۱.۳ بحرانی نبودن اقتصاد (رشد اقتصادی)

بریتون بر این باور است که کشورهایی که انقلاب در آنها به وقوع پیوست، نه تنها گرفتار بحران اقتصادی نبودند، بلکه اقتصاد آنها رو به رشد بوده است. جوامع موردبررسی بریتون از نظر اقتصادی رو به پیشرفت بوده‌اند و جامعه فرانسه در سراسر قرن هجدهم رو به رشد بود. انگلیس و روسیه نیز در مسیر پیشرفت قرار داشتند. بریتون اعلام می‌دارد که انقلاب انگلیس بی‌گمان به دلیل تنگ‌دستی اقتصادی پیش نیامد (بریتون ۱۳۶۳: ۳۳-۳۶).

۲.۳ ناکارایی ماشین حکومت (بی‌کفایتی حاکمیت و بحران مشروعیت)

چهار انقلاب مدنظر بریتون، که در جهان غرب پس از سده‌های میانه رخ داده‌اند، از نظر وی انقلاب‌های «مردمی» یا «دموکراتیک» بودند که به نام «آزادی» برای اکثریت علیه اقلیت ممتاز انجام گرفتند و همگی آنها موفق بودند؛ یعنی نتیجه‌شان به حکومت‌رسیدن قانونی انقلابیون بود (بریتون ۱۳۶۳: ۲۳). بنابه نظریه بریتون در چهار انقلاب موردبررسی، «حکومت‌ها نسبتاً ناکارآ می‌نمایند و حکومت‌شوندگان نیز نسبتاً نابدربار به‌نظر می‌آیند»، بریتون «ورشکستگی قریب‌الوقوع حکومت» را «گواه پیشینی بر ناکارایی» چهار جامعه موردبررسی تلقی کرده و بر این باور است که در جوامع مزبور «دولت دیگر آشکارا خوب نمی‌گردد» (همان: ۴۱).

۳.۳ تغییر بیعت منورالفکران

از نظر بریتون، در همه جوامع موردبررسی بریتون، «گروه‌های فشار با منظوره‌های کم‌وبیش انقلابی» وجود داشتند که فعالیت این گروه‌ها در مباحث سیاسی و اخلاقی بوده است. این گروه‌های فشار عمدتاً همان منورالفکران (از جمله نویسندگان، هنرمندان، موسیقی‌دانان، معلمان، و واعظان) هستند که «سخت به نهادهای موجود می‌تازند و آرزومند یک دگرگونی چشم‌گیر در جامعه، کسب‌وکار، و حکومت» هستند (بریتون ۱۳۶۳: ۴۸-۴۹). منورالفکران علیه حکومت و وضع موجود برمی‌خیزند، از آن انتقاد می‌کنند، و در جست‌وجوی ترقی هستند. خلاصه این‌که این منورالفکران به دنیایی دیگر و بهتر از نظام‌های موجود و مستقر تغییر بیعت می‌دهند (همان: ۵۱-۵۳).

۴.۳ ناهم‌سازی طبقاتی (منازعه و تضاد طبقاتی)

چهار انقلاب بیش‌تر ماهیتی «اجتماعی یا طبقاتی» دارند. انقلاب آمریکا به‌شکل برجسته‌ای یک انقلاب «ملیت‌پرستانه-سرزمینی» است. به‌باور بریتون، این انقلاب یک جنبش اجتماعی و طبقاتی نیز بود و هرچه زمان جلوتر می‌رفت، «خصلت اجتماعی» آن بیش از پیش نیرومندتر می‌شد (بریتون ۱۳۶۳: ۲۶-۲۷).

۵.۳ ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور

حکومت‌ها در چهار انقلاب موردنظر نتوانستند به‌حد کافی و مؤثر اعمال زور کنند. به‌نظر بریتون، هیچ حکومتی سقوط نمی‌کند، مگر آن‌که نظارت خویش بر نیروهای مسلح و قدرت اعمال مؤثر آن‌ها را از دست داده باشد (بریتون ۱۳۶۳: ۱۰۲-۱۰۳). قدرت‌های موردبررسی بریتون در هر مورد با ناکامی شگفت‌آوری روبه‌رو شدند. آن‌ها که از سوی طبقه حاکم مسئول چنین واکنش‌هایی در جوامع بودند، آشکارا نتوانستند به‌اندازه کافی زور به‌کار ببرند (همان: ۱۰۲). بریتون درخصوص این مؤلفه می‌نویسد: «در انگلستان ارتش دائمی چشم‌گیری وجود نداشت و طبعاً از چیزی همانند یک نیروی پلیس نوین نیز نشانی نبود» (همان). هم‌چنین، «در انقلاب آمریکا، چه وفاداران آمریکایی و چه قوای بریتانیایی، به‌اندازه کافی نیرومند نبودند که بتوانند در هنگام رخداد انقلاب نیروی مسلحشان را برای کوشش در جهت سرکوبی انقلابیون به‌کار برند» (همان: ۱۰۳). در فرانسه نیز باین‌که لوئی شانزدهم یک نیروی مسلح معتمد و نیز یک گارد شاهی مهم متشکل از مزدوران سوئسی و آلمانی را در اختیار داشت نتوانست به‌گونه مؤثری از نیروهای نظامی خود استفاده کند. در انقلاب روسیه نیز سربازان حکومت از رویارویی با مردم سر باز زدند و به‌جای آن، دسته‌دسته به مردم پیوستند (همان: ۱۰۳-۱۰۴). بریتون هریک از نشانه‌های انقلاب را وجود یک بیماری در اعضا و سیستم جامعه بیان می‌کند.

۴. انطباق‌سنجی نشانه‌های مقدماتی انقلاب بریتون در مشروطه ایران

این مبحث تحولات و حوادث ده‌ساله منتهی به صدور فرمان مشروطیت ایران (با تمرکز بر ماه‌های پایانی جنبش) را در پنج محور اصلی به‌محک نشانه‌های مقدماتی نظریه بریتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب زده و تبیینی جدید از مشروطه‌خواهی ایرانیان* را ارائه کرده است.

۱.۴ بحرانی نبودن اقتصاد (رشد اقتصادی)

در سال‌های منتهی به مشروطیت، دولت و جامعه در وضع سختی قرار داشتند. از زمان انعقاد معاهده جدید بازرگانی ایران- روسیه در سال ۱۳۱۸ق، تجار و صنعت‌گران ایران از تعیین تعرفه جدید گمرکی و معافیت صادرات روسیه به ایران از پرداخت عوارض ناراضی بودند، به طوری که در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ تجار تبریز شورش کردند (یزدانی ۱۳۹۹: ۲۰-۲۱؛ ایوانف ۱۳۵۷: ۲۳). تجار تهران هم در سال ۱۳۲۳ق به دلیل بدرفتاری، اخذ مبلغی بیش از مبلغ مصوب، و وضع تعرفه گمرکی جدید به زیان تجار ایران به شکایت از نوز بلژیکی، رئیس گمرکات، پرداختند. ناراضی‌تبی تجار تهران باعث بسته شدن کاروان‌سراها و بازار، اظهار شکایت از نوز نزد مجتهدان، و تحصن تجار در حرم عبدالعظیم در نوزدهم صفر ۱۳۲۳ شد (کرمانی ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۱۹؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۱۹-۲۰؛ شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۶، ۱۹-۲۰). حادثه دیگر گرانی قند و حبس و چوب‌زدن به پای چند تاجر قند در تهران (پانزدهم شوال ۱۳۲۳) به اتهام احتکار و گران‌فروشی بود. این حادثه باعث بسته شدن بازار و اجتماع معترضان به همراه طباطبایی و بهبهانی در مسجد شاه و در نهایت مهاجرت صغرا شد (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۸-۲۹؛ کرمانی ۱۳۹۱: ۲۷۳-۲۷۵، ۲۸۱؛ کتاب نازنجی ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۴-۱۵). به عبارت بهتر، تجار در پاگرفتن جنبش با انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی با روحانیت متحد شدند. در جای‌جای جنبش، نقش و حضور پررنگ تجار و حمایت آن‌ها از جنبش از جمله در تأمین مخارج متحصنان در حرم عبدالعظیم، خرج مهاجرت قم، و تأمین هزینه مایحتاج بست‌نشینی در سفارت انگلیس را می‌بینیم (کرمانی ۱۳۹۱: ۲۸۵، ۴۳۰-۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۵۱؛ شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۳، ۶۸، ۷۴؛ اوین ۱۳۶۲: ۲۲۰؛ دولت‌آبادی ۱۳۶۲: ج ۲، ۵، ۷۲؛ گروه ۱۳۶۹: ۲۳۴-۲۳۵؛ تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۶، ۲۸-۲۹؛ کتاب آبی ۱۳۶۳: ج ۱، ۵، ۹-۱۰). هم‌چنین، تجار پس از مشورت با بهبهانی بست‌نشینی در سفارت انگلیس را ترتیب دادند و نقش اصلی را نیز آن‌ها ایفا کردند (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۳۰-۴۳۳).

گرانی نان، گوشت، و سختی معیشت از دیگر عوامل ناراضی‌تبی مردم در سال‌ها و ماه‌های منتهی به صدور فرمان مشروطیت بود. مردم تبریز در سال‌های ۱۳۱۶، ۱۳۲۱، و ۱۳۲۳ق به دلیل کمبود و گرانی نان شورش کردند (یزدانی ۱۳۹۹: ۳۴-۳۵). یکی از مهم‌ترین شورش‌های صورت‌گرفته به دلیل گرانی نان و گوشت شورش مشهد در سال ۱۳۲۳ق بود که عده‌ای از شورشیان نیز کشته شدند (کرمانی ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۲۲، ۳۳۳-۳۳۶؛

تبیین جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان ... (مهدی فرجی و بهزاد قاسمی) ۲۰۷

شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۴، ۳۶، ۷۷، ۷۹؛ ویشارد ۱۳۶۳: ۳۳۱؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۵۹). گرانی نان و گوشت چنان مهم بود که بارها در جلسات ماه‌های نخست مجلس اول موضوع گفت‌وگو و پی‌گیری شده بود (میرزا صالح ۱۳۸۴: ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۶۱-۶۲) و میرزا علی‌اصغرخان اتابک، صدراعظم پیش‌نهادی محمدعلی‌شاه، در مجلس قول داده بود که نان مردم را تأمین کند (کتاب نارنجی ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۱). وضع مالی دولت در زمان مظفردالدین‌شاه به قدری وخیم بود که دولت در زمان او از روسیه قرض گرفته و گمرکات کشور را به ودیعه قرض واگذار کرده بود (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۵-۱۶؛ گروته ۱۳۶۹: ۲۳۶).

برعکس چهار انقلاب مورد مطالعه بریتون، آمار و ارقام اقتصادی وضعیت ایران عصر مشروطه را بحرانی نشان می‌دهد. طبق برآوردی در اواخر قرن نوزدهم، مبلغ پرداختی واردات ایران سه برابر صادراتش بوده است (عیسوی ۱۳۶۲: ۸۵؛ واتسون ۱۳۴۸: ۸-۹؛ براون ۱۳۸۶: ۴۶). براساس گزارش‌های دولتی در سال ۱۹۰۶ میزان صادرات ایران ۲۹۸.۲۱۰ دلار و میزان واردات ۳۳.۲۳۵.۷۱۸ دلار ذکر شده است (ویشارد ۱۳۶۳: ۲۶۷). کل تجارت ایران در سال ۱۹۰۰ براساس آمارهای گمرکی هشت میلیون لیره استرلینگ بوده است که پنج میلیون آن شامل واردات و سه میلیون شامل صادرات بود (عیسوی ۱۳۶۲: ۲۰۶). از مهم‌ترین مصادیق آماری بحرانی بودن وضعیت اقتصاد ایران پیش‌امشروطه عبارت‌اند از: ناتوانی حکومت از سرمایه‌گذاری و ساخت کارخانه (فلاندن ۱۳۵۶: ۱۲۴-۱۳۶؛ پولاک ۱۳۶۸: ۳۹۱)؛ ترغیب بریتانیا بر کاشت تریاک؛ مبادله موادخام از قبیل تریاک، پنبه، توتون، تنباکو، و ابرایشم (طالبوف ۱۳۵۶: ۹۵-۹۷)؛ کاهش بهای مواد خام صادراتی ایران؛ افزایش مالیات برای تأمین هزینه‌ها (واتسون ۱۳۴۸: ۸-۹)؛ کسری بودجه به مبلغ دو بیست هزار لیره در سال ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵ (معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۱۰)؛ استقراض از بانک‌های خارجی (آفاری ۱۳۷۹: ۵۷).

مهم‌ترین دلایل بحران اقتصادی و ناکارآمدی در مناسبات سنتی، ایلی، و قبیله‌ای ریشه داشت. وجه برجسته مناسبات تولید متکی بر زمین و کشاورزی بود. بزرگ‌ترین زمین‌دار نیز خود شاه بود و طبق برآوردی در آغاز قرن نوزدهم، دولت مالک یک‌سوم زمین‌های قابل کشت بود (کوزنتسوا ۱۳۵۸: ۵۷-۵۸). تا نیمه قرن نوزدهم، ساختار اجتماعی قرون میانه در ایران رواج داشت و هیچ قشر اجتماعی جدیدی پدید نیامده بود (همان: ۶۵). ثروت وجود داشت، اما در مسیر تولید قرار نگرفته بود و انباشت سرمایه در تولیدات صنعتی رخ

نداد (سیف ۱۳۷۳: ۲۷۸، ۲۸۰) و برخلاف آن، بسیاری از صنایع و کارگاه‌های سنتی ایران بر اثر واردات کالاهای خارجی و ناتوانی در رقابت ورشکست شده بودند (تحویل‌دار ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱؛ مراغه‌ای ۱۳۸۸: ۴۷-۴۸؛ فلاندن ۱۳۵۶: ۱۲۵-۱۲۶؛ ابوت ۱۳۹۶: ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۹). طی دهه‌های منتهی به مشروطیت، بسیاری از مردم برای یافتن شغل به ماورای قفقاز مهاجرت می‌کردند (سیاح ۱۳۹۰: ۴۲، ۴۹؛ کوزنتسوا ۱۳۵۸: ۹۹؛ پاولویچ و ایرانسکی ۱۳۵۷: ۲۳؛ ایوانف ۱۳۵۷: ۱۷). بسیاری از مردم به دلیل فقدان امنیت و شغل و به سبب ظلمی که از سوی حکام بر مردم اعمال می‌شد از ایران مهاجرت کردند و در «تمامی شهرها و قصبه‌ها و حتی دهات قفقاز» و نیز «ممالک روم و روس و هندوستان» به کارگری می‌پرداختند (مراغه‌ای ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳، ۴۵-۴۶). علاوه بر فقر و بی‌کاری، بحران امنیت اقتصادی و دارایی حاکم بود. اموال و دارایی مردم تضمینی نداشتند و در معرض ضبط و مصادره بودند (کرزن ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۱۴، ۶۳۴-۶۳۵؛ فریزر ۱۳۶۴: ۸۱؛ کوزنتسوا ۱۳۵۸: ۶۴، ۹۱-۹۲؛ آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ۳۰۴-۳۰۵)، در نتیجه، در ایران پیشامشروطه از رشد اقتصادی خبری نبود و مطالبات اقتصادی از درخواست‌های مشروطه‌خواهان به شمار می‌رفت.

۲.۴ ناکارایی ماشین حکومت (بی‌کفایتی حاکمیت و بحران مشروعیت)

وضعیت اداره مملکت در دوره قاجار سنتی و برپایه خویشاوندسالاری، سازوکارهای کام‌جویانه، و سلاقی شخصی استوار شده بود. نزدیکان و وابستگان دربار از طریق مزایده و با پرداخت رشوه و پیش‌کش و اغلب بدون رعایت شایستگی حکومت ایالت‌ها را به عهده می‌گرفتند (سیاح ۱۳۹۰: ۴۸۰؛ سایکس بی‌تا: ج ۲، ۵۹۷؛ کرزن ۱۳۸۰: ج ۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۸؛ واتسون ۱۳۴۸: ۱۹؛ گروه ۱۳۶۹: ۲۲۶-۲۲۷). قوای نظامی مملکت هم به سامان نبود، به نحوی که منابع مختلف از آشفتگی، بی‌مسئولیتی، و رعایت نکردن اصل شایستگی در قشون ایران قرن نوزدهم سخن می‌گویند (مالکم بی‌تا: ج ۲، ۱۷۶؛ آدمیت و ناطق ۱۳۵۶: ۴۳۴، ۴۴۰؛ کرزن ۱۳۸۰: ج ۱، ۷۶۷).

اوژن اوبن، سفیر فرانسه در ایام انقلاب در تهران، اوضاع پریشان ایران پیشامشروطه را چنین توصیف کرده است: «در مورد اداره و تشکیلات بهتر است اصلاً حرفش را ننویسیم. چون تعداد بی‌شماری دارای عنوان وزیر بودند، در حالی که مطلقاً نه وزارتی وجود داشت و نه تشکیلات مرتبی در کار بود» (اوبن ۱۳۶۲: ۱۹۷-۱۹۸). در واقع، مناصب و مقامات

تبیین جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان ... (مهدی فرجی و بهزاد قاسمی) ۲۰۹

خرید و فروش می‌شد (کرمانی ۱۳۶۲: ۸۶). سال ۱۳۲۳ ق اساساً سال بروز «نشانه‌های مقدماتی انقلاب» مورد نظر بریتون در ایران است. در این سال، با هرج و مرج و شورش مردم علیه حکام در شهرهای مختلف از جمله شیراز، رشت، کرمان، سیستان، مشهد، همدان، کرمانشاه، و کردستان مواجهیم (کسروی ۱۳۸۵: ۶۳-۶۵؛ اوبن ۱۳۶۲: ۲۱۶-۲۱۷؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۳۳، ۳۷، ۵۳-۵۴؛ کرمانی ۱۳۹۱: ۳۳۰-۳۳۶).

شریف کاشانی هم در اثر خود ناکارآمدی حکومت و بروز هرج و مرج در سال‌های منتهی به مشروطیت را منعکس کرده و در توضیح وضعیت اداره کشور در زمان میرزا علی اصغر خان اتابک، صدراعظم مظفرالدین‌شاه، می‌نویسد:

[صدراعظم] شش منشی دارد، هر کدام هر چه می‌خواهند می‌نویسند، صبح که از اندرون بیرون می‌آید حضورش می‌نشینند. کیسه مهرش را می‌دهد به آنها، بدون آن‌که یک کاغذ آن‌ها را بخواند، مهر می‌کنند و می‌روند. دیگر حکم قتل باشد، باشد؛ حبس باشد، باشد؛ تراج و یغما باشد، باشد؛ به خارجه باشد، باشد؛ خیلی امور هرج و مرج شده (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۶).

همو در جای دیگری می‌نویسد:

... رعب سلطنت از نظرها رفته، به هیچ وجه خوفی در کار نیست. هر کس به خیال خود هر کاری می‌خواهند می‌کنند؛ اصلاً مؤاخذه از کسی نمی‌شود. سال‌هاست که تعدیات کلیه رجال دولت و حکام ولایت به عموم بندگان خدا، از حد تصور خارج است (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۹).

در ایامی که طباطبایی در مهاجرت صغرا به سر می‌برد، عده‌ای از مردم شهر در شکایت از ظلم و ناکارآمدی حکومت به طباطبایی نامه نوشتند و از ظلم حکومتیان به مردم، بروز هرج و مرج، «تنگی معیشت»، «گرانی ارزاق»، «تعدیات حکام»، «ندادن مواجب سرباز»، و «احتکار گندم» شکایت می‌کنند (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۳۶).

در یکی از مکتوبات «انجمن مخفی»، که برای انتشار در مطبوعات در سال ۱۳۲۳ آماده شده بود، بر کاهش جمعیت، فروش دختران ایرانی به ترکمانان، کاهش ارزش پول، مهاجرت، فقر و فلاکت سرباز قشون، بی‌کاری شایستگان و به‌کارگیری افراد جاهل و بی‌دانش، و ضعف حکومت ایران از لحاظ «ثروت و قوای حریبه» اشاره شده بود (کرمانی ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۵). مراغه‌ای بحران مشروعیت و ناکارآمدی را در بی‌قانونی می‌داند

و مصادیق آن را با این جملات روایت می‌کند: «همه چیز هست، چیزی که نیست قانون است. نظم ندارد...» (مراغه‌ای ۱۳۸۸: ۳۲۷). شبکه از نابه‌سامانی اوضاع و ناکارآمدی دولت در اغلب رسائل انتقادی و اصلاحی دوره ناصری و پس‌از آن نیز مشاهده می‌شود (طالبوف ۱۳۵۶: ۹۹، ۱۲۰-۱۲۱، ۱۲۵، ۲۱۰-۲۱۲). میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله عامل اصلی «جمیع انتظامات فرنگستان» و منشأ تمام ترقیات غربیان را در حاکمیت یک کلمه قانون می‌داند (تبریزی ۱۳۵۶: ۷۴-۷۵). مجدالملک سینیکی هم در مواضع متعددی از رساله خود از بی‌قانونی، ظلم و تعدی به مردم، و نابه‌سامانی و فساد دستگاه اداری کشور انتقاد می‌کند (مجدالملک ۱۳۲۱: ۱۰-۱۵، ۱۹، ۶۱) و تأسیس «مجلس» و حکومت مبتنی بر قانون را راه‌کار نجات و ترقی کشور می‌داند. در واقع، استقرار قانون و تشکیل عدالت‌خانه از آرمان‌های اصلی ترقی‌خواهان بود.

۳.۴ تغییر بیعت منورالفکران

سده هجدهم در فرانسه از جمله ولتر، روسو، دیدرو، رنال، دلباخ، ولنه، هلوسیوس، دالامبر، برناردن دو سن پیر، و کندروسه از مهم‌ترین مصادیق تغییر بیعت منورالفکران فرانسه با حاکمیت این کشور بودند. منورالفکران روسیه نیز انتقادات تند سیاسی و اجتماعی به حاکمیت داشتند و در آمریکا نیز روشن‌گری نقش داشت و منورالفکران خواهان حقوق طبیعی انسان بودند (بریتون ۱۳۶۳: ۵۱-۵۳). در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان نیز تغییر بیعت منورالفکران اتفاق افتاد. پرسش این است که منورالفکران ایران در قبال چه امری یا چه چیزی تغییر بیعت دادند؟ آن‌ها با بی‌اعتبار کردن اندیشه ظل‌اللهی و افسون‌زدایی از قدرت به مبارزه با استبداد برخاستند و بیعت خود را با نظام سیاسی موجود شکستند. این تغییر بیعت از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه با انتشار مطبوعات و شکل‌گیری جریان منورالفکری قوت گرفت. به عبارت دیگر، تغییر بیعت منورالفکران را باید در چهارچوب مقدمات فکری مشروطیت ارزیابی کرد که طی دهه‌ها تکوین یافت و در ماه‌های منتهی به مشروطیت نیز تداوم داشت.

گفتنی است که جریان منورالفکری دخیل در مشروطیت ایران از منظر ترکیب اجتماعی و نیز نگاه به جهان و انسان با منورالفکری اروپایی، که عمدتاً در تقابل با مذهب و با اصولی سکولار و عرفی بودند، تفاوت داشت. در ایران عهد مشروطیت، غالباً جریان منورالفکری از دو منبع دین و عرف تغذیه می‌شد و منورالفکرانی با اندیشه‌های دینی و روحانیونی با

اندیشه آزادی‌خواهی در پی تحول و ترقی بودند. اوژن اوین، سفیر فرانسه در تهران که در ایام مشروطیت در ایران حضور داشت، به نقش تشیع و روحانیت در آزادی‌خواهی اشاره کرده و نوشته است:

پیشرفت اندیشه‌های آزادی‌خواهی سنت‌های قدیمی حکومت را، که بر مبنای تقابل بنا شده بود، دور ریخته و به جای آن، موجبات مشارکت مستقیم مردم ایران را در ترکیب حکومت فراهم آورد. عجیب آن‌که تمایلات آزادی‌خواهی این بار هم از تحولی که در مذهب تشیع به وجود آمده بود، نشئت گرفت و هم‌اکنون بزرگ‌ترین طرفداران این اندیشه را در میان ملایان می‌توان یافت (اوین ۱۳۶۲: ۲۰۳).

اوین می‌افزاید که روحانیت «به نهضت جهت خاص بخشید و انقلاب رنگ مذهبی و ملی به‌خود گرفت» (همان: ۲۱۵-۲۱۶).

منابع و تحقیقات جدید از تأثیرگذاری مطبوعات از جمله/ختر، حکمت، ثریا، پرورش، *حبل‌المتین کلکته*، قانون، و آثار منورالفکرانی چون میرزا ملکم‌خان، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، طالبوف، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، و حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در بیداری ملت و مشروطه‌خواهی سخن می‌گویند (تقی‌زاده ۱۳۷۹: ۵۷؛ کرمانی ۱۳۹۱: ۵۳، ۶۲-۶۴، ۱۱۷، ۱۶۱-۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۸؛ براون ۱۳۲۹: ۳۵؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹، ۲۶، ۴۷-۵۳؛ براون ۱۳۸۶: ۳۵۹-۳۶۲؛ گروه ۱۳۶۹: ۲۳۳؛ ایوانف ۱۳۵۷: ۱۸-۱۹، ۳۹؛ پروین ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۶۹-۲۷۰؛ آدمیت ۱۳۴۰: ۹۹-۱۰۰، ۱۸۳-۱۸۶، ۱۹۹-۲۰۳). سیدحسین تقی‌زاده، از رجال عهد مشروطیت، بیداری ملت را عامل مهمی در شکل‌گیری جنبش مشروطیت ارزیابی می‌کند و می‌نویسد که نوشته‌های میرزا ملکم در روزنامه *قانون* و دیگر رسائل او «انقلابی در افکار ایرانیان به‌وجود می‌آورد» (تقی‌زاده ۱۳۷۹: ۵۷). اوین می‌نویسد که روزنامه‌هایی چون *حبل‌المتین* چاپ کلکته، *چهره‌نما* و *حکمت* چاپ مصر، *ارشاد* چاپ باکو، *روزنامه ترکی ملا نصرالدین* چاپ تفلیس، و *المؤید* به عربی و چاپ مصر در بیداری ایرانیان اثرگذار بود (اوین ۱۳۶۲: ۲۱۲-۲۱۳). مطبوعات مختلف، برای نمونه *حبل‌المتین* کلکته، در مقالات متعددی به انتقاد از نظام استبدادی و تبیین مفاهیم جدید مثل آزادی، مساوات، و ضرورت مشروطیت پرداختند (*حبل‌المتین* ۱۳۱۹: ش ۶، ۶؛ *حبل‌المتین* ۱۳۲۰: ش ۲۸، ۱۶؛ *حبل‌المتین* ۱۳۲۱: ش ۳۱، ۲۰؛ همان: ش ۳۸، ۱۹-۲۱؛ *حبل‌المتین* ۱۳۲۲: ش ۲۶، ۵-۶؛ همان: ش ۲۹، ۴-۵؛ همان: ش ۳۱، ۱۸؛ *حبل‌المتین* ۱۳۲۳: ش ۲۸، ۱۲؛ *حبل‌المتین* ۱۳۲۴: ش ۲۷، ۹؛ همان: ش ۲۸، ۶؛ همان: ش ۳۵، ۴).

مطبوعات، منورالفکران دینی و غیردینی، و شب‌نامه‌ها بارها در سال‌ها و ماه‌های منتهی به صدور مشروطیت به تغییر بیعت منورالفکران اشاره کرده‌اند. بیدارگری‌های سیدجمال‌الدین واعظ و انتقاد او از نظام استبدادی در رمضان ۱۳۲۳ و انتقاد دیگر واعظان از حکومت در مساجد و مجالس روضه‌خوانی از جمله این موارد است (دولت‌آبادی ۱۳۶۱: ج ۲، ۶، ۶۶؛ اوین ۱۳۶۲: ۲۱۷؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۲۹).

تغییر بیعت منورالفکران، که بر اثر آگاهی از مفاهیم جدید و در اعتراض به وضع موجود شکل گرفته بود، خود را به شکل‌ها و شیوه‌های متنوعی نشان می‌داد. سال‌ها قبل از آغاز جنبش مشروطه شکل‌گیری محافل مختلف منورالفکری در تبریز را شاهدیم. این محافل با تأسیس کتاب‌خانه، توزیع کتاب‌های جدید، برگزاری مجالس، و انتشار مجله و شب‌نامه به انتقاد از نظام استبدادی و ترویج مفاهیم مدرن می‌پرداختند (یزدانی ۱۳۹۹: ۲۱-۲۴). تشکیل «فراموش‌خانه» از سوی میرزا ملکم‌خان، «جامع آدمیت»، «کمیته انقلاب»، «انجمن مخفی»، و «مجامع سری» در شهرهایی چون کرمان، تبریز، و تهران و تشکیل حزب «اجتماعیون عامیون ایرانیان باکو» و شعبه‌های آن در شهرهای مختلف ایران، که همگی به انتقاد از استبداد و ترویج حکومت قانون می‌پرداختند و راه‌کارهایی برای تحول داشتند، نمونه‌های دیگری از تغییر بیعت منورالفکران است که نقش مهمی را در حرکت جنبش ایفا کردند (آدمیت ۱۳۴۰: ۲۰۸، ۲۴۷؛ یزدانی ۱۳۹۹: ۴۴-۵۰؛ آبراهامیان ۱۳۸۳: ۷۰-۷۳؛ ملایی توانی ۱۳۹۹: ۵۶-۶۱). از مجامع مذکور، «انجمن مخفی» بود که در هجدهم ذی‌حجه ۱۳۲۲ تشکیل شد. این انجمن به‌طور منظم نشست‌ها و ملاقات‌هایی با سیدین طباطبایی و بهبهانی، منورالفکران، و مبارزان سیاسی با هدف بیداری مردم و سازمان‌دهی جنبش مشروطه‌خواهی برگزار می‌کرده است. اعضای این انجمن در ترقی‌خواهی و مشروطه‌طلبی تحت تأثیر کتاب *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*، یک کلمه مستشارالدوله، آثار میرزا ملکم‌خان، و مقالات روزنامه *حیل‌المتین* بودند، این آثار را در بین مردم پخش می‌کردند، و مقالات انتقادی در مطبوعات به‌منظور بیداری ملت منتشر می‌کردند (کرمانی ۱۳۹۱: ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۶، ۲۲۳-۲۲۴).

یکی دیگر از فعالیت‌های آزادی‌خواهان در ماه‌های منتهی به صدور فرمان مشروطیت تشکیل جلسات و برگزاری شب‌نشینی مداوم و چاره‌اندیشی برای اصلاح نظام سیاسی بود. در این جلسات، از مفاهیم و نهادهای جدید چون «مجلس شورای ملی» و «نظام مشروطه سلطنتی» به‌عنوان راه‌کار ترقی و نجات سخن به‌میان می‌آمد (احتشام‌السلطنه ۱۳۶۷: ۵۲۱-۵۲۰، ۵۲۴).

در حرم عبدالعظیم حسنی، مقارن با تحصن مشروطه‌خواهان، متنی با عنوان «ندای فرشته بشری» با امضای «فرشته بشری» بین مردم پخش شده بود که بخشی از متن از تأیید مؤلفه تغییر بیعت منورالفکران مورد اشاره کرین بریتون در جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان حکایت دارد. متن مزبور، که با عبارت «یا متفرق الجامعین یا مجامع الغافلین» شروع می‌شود، قصد بیداری مردم و آشنایی آن‌ها با حقوق ملت را داشت (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۴۲-۴۳).

در ایام بست‌نشینی در سفارت انگلستان، یکی از «نطاقین» حاضر در بست‌نشینی نوشته‌ای را برای مردم قرائت می‌کند که از تأثیر جریان منورالفکری در بیداری و تغییر بیعت منورالفکران با حکومت نشان دارد. نوشته مزبور بر ظلم، فقر، فساد، و ناکارآمدی حکومت می‌تازد و سپس از بی‌اعتنایی و انفعال مردم انتقاد می‌کند و از مردم می‌خواهد که در اعتراض به وضع موجود قیام کنند (همان: ۷۶-۸۰).

تغییر بیعت منورالفکران عصر مشروطه با انتقاد از خودکامگی سلطنت و بیدارگری مردم انجام گرفت، اما به‌منظور رسیدن به سرمنزل نهایی، که همان تشکیل حکومت قانون بود، جریان منورالفکری به‌تنهایی کافی نبود و توانایی تغییر را نداشت. به همین دلیل، تشکیل ائتلاف ترقی‌خواهان اجتناب‌ناپذیر بود.

۴.۴ ناهم‌سازی طبقاتی (منازعه و تضاد طبقاتی)

به‌دلیل آن‌که بریتون در بررسی چهار انقلاب موردنظر خود به ماهیت طبقاتی آن‌ها قائل است و تحلیل‌های مارکسیستی نیز اهمیت خاصی در نقش طبقات در انقلاب‌ها دارند، مؤلفه ناهم‌سازی طبقاتی را به‌همراه تحلیل‌های مارکسیستی از مشروطیت پی می‌گیریم. تحلیل‌های مارکسیستی، با این پیش‌فرض که اساس تحولات برپایه عامل مادی و اقتصادی است و با پیش‌فرض ایده تکامل تک‌خطی کارل مارکس، مشروطه‌خواهی ایرانیان را منازعه‌ای طبقاتی و نزاعی بین نظام بورژوازی و حکومت فئودالی ارزیابی کرده‌اند. در نظر آن‌ها، تجار و سرمایه‌داران بومی، پس از این‌که منافع اقتصادی خود را در برابر سیاست‌های دولت مثل واگذاری امتیازات در خطر دیدند، رهبری حرکت را به‌منظور تحدید اختیارات حکومت به‌دست گرفتند و روحانیون و پیشه‌وران شهری را نیز با خود همراه کردند.

فشاهی از شکل‌گیری طبقه بورژوا در ایران سخن می‌گوید و می‌نویسد که در قرن نوزدهم نفوذ بورژوازی اروپایی در ایران، توسعه‌ی بازرگانی در شهرها، و تجارت با

کشورهای اروپایی باعث ظهور طبقه‌ای جدید و پر قدرت به نام «بورژوا» در ایران شد (فشاهی ۱۳۵۴: ۵۰۷). همو می‌افزاید که در نتیجه توسعه تجارت، قدرت تجار تاحدی افزایش یافته بود که به دولت وام می‌دادند تا به خرید زمین روی آوردند و چون زمین‌ها از دست «فئودال‌ها» خارج شد و در دست «بورژوازی شهری» قرار گرفت، پدیده جدیدی به نام «فئودال بورژوازی» به وجود آمد و «بورژوازی شهری» با «فئودالیسم» همراه شد (همان: ۵۰۸). ایوانف و مؤمنی نیز همین موضوع را با مضمونی دیگر مطرح کردند و می‌نویسند که زمین‌ها از دست اشراف فئودال خارج می‌شد و به دست ملاکان تازه‌ای می‌افتاد که از بین تجار، روحانیون، و مأموران حکومتی برخاسته بودند. در نتیجه، قسمت اعظم بورژوازی تجاری، در آغاز قرن بیستم، به مقدار فراوانی با مالکیت فئودالی پیوند یافته بود (ایوانف ۱۳۵۷: ۱۶-۱۷؛ مؤمنی ۱۳۵۲: ۹، ۱۲-۱۳). فشاهی، در جایی دیگر، از تضاد منافع «دولت فئودال» و «بورژوازی» سخن می‌گوید و می‌نویسد که بورژوازی ایران در دو جنبه با سرمایه خارجی و حکومت فئودال در نبرد بود. سقوط حکومت فئودال و اخراج استثمارگران بیگانه (روس و انگلیس) اولین کار بزرگ بورژوازی بود. آنان باید وارد کار می‌شدند و در این راه از یاری روحانیون، ایلات، و پیشه‌وران شهری بهره فراوان بردند. روحانیون برای تأمین منافع اقتصادی و امتیازات از دست‌داده، ایلات برای رهایی از مالیات و فقر، و پیشه‌وران و صنعت‌گران و قشرهای پایین شهری هم به دلیل محرومیت از هرگونه حقوق اجتماعی، تحمل فشار مالیاتی، و ظلم دولت به جنبش پیوستند و خواستار سقوط «دولت فئودال قرون وسطایی» شدند (فشاهی ۱۳۵۴: ۵۰۹-۵۱۰، ۵۱۲-۵۱۳).

مؤمنی از دیگر مورخان مارکسیست نیز بر این باور است:

جنبش مشروطیت مبارزه خونین طبقات متوسط و سرمایه‌دار شهری ایران علیه فئودالیسم بود. این جنبش از لحاظ سازمانی هدفش برانداختن قدرت مطلقه فئودال و استقرار حکومت پارلمانی بورژوایی بود و سرانجام پس از طی نشیب‌ها و فرازها به سازش میان فئودالیسم بورژوا زده و سرمایه‌داری بزرگ تجاری، که یک پایش به زمین چسبیده بود، خاتمه پذیرفت و از لحاظ شکل سازمانی به استقرار مشروطه سلطنتی بورژوا-ملاک منجر شد (مؤمنی ۱۳۵۲: ۸).

از منظر باقر مؤمنی، طبقات متوسط خرده‌پای شهری که از حقوق اجتماعی، قدرت، و امتیاز مادی محروم بودند و کم‌ترین نفعی در ادامه استبداد مطلقه نداشتند، به این دلیل به انقلابی‌ترین گروه اجتماعی بدل شدند (همان: ۱۵).

در توضیح تضاد طبقات موردنظر بریتون و نیز نقد روایت مارکسیستی از جنبش مشروطه‌گفتنی است که نه منشأ و خاستگاه جنبش طبقاتی بود و نه مشروطه‌خواهی ایران را می‌توان به تضاد طبقاتی تقلیل داد. اگرچه منافع اقتصادی روحانیون، تجار، و پیشه‌وران شهری بر اثر سوءمدیریت حکومت با خطر مواجه شده بود یا اصلاً حقوقی برای مردم درمقابل حکومت به رسمیت شناخته نشده بود، بیدارگری منورالفکران و اندیشه‌های ظلم‌ستیز دین اسلام نیز نقش قابل توجهی را ایفا کردند و نمی‌توان بازرگانان را به تنهایی رهبران جنبش دانست، چراکه روحانیت آزادی‌خواه نقش بسیار مؤثری در هدایت جنبش داشتند.

دلیل دیگر در رد طبقاتی‌بودن جنبش این است که اقشار متنوعی که با مطالبه‌ای ملی و فراطبقاتی در جنبش فعالیت داشتند، به قول اوژن اوبن، سفیر فرانسه در تهران، همه گردهم آمده بودند: «جوانانی که در اروپا تحصیل کرده بودند، ملایان اصلاح‌طلب، و بازرگانانی که از جور و ستم حاکمان مستبد به ستوه آمده بودند، همه دور هم گرد آمدند» (اوبن ۱۳۶۲: ۲۱۵). در نتیجه نباید مشروطیت ایران را به‌مانند انقلاب ۱۹۱۷ روسیه انقلابی طبقاتی و منحصر به طبقه خاصی دانست. در جریان انقلاب روسیه، ازسویی تضاد طبقاتی بین کارگران و کارفرمایان و ازسوی دیگر، بین روستاییان و مالکان مشهود بود. روستاییان زمین‌های دولتی و خصوصی را تصرف کردند و بسیاری از مالکان اراضی خود را ترک کردند و از روستا گریختند. مطالبه روستاییان تقسیم زمین‌های اشراف، دولت، و کلیسا بین روستاییان بود (فیتس پاتریک ۱۴۰۰: ۸۴).

ایوانف، از مورخان مارکسیست، با نگاه اقتصادی و مارکسیستی ظهور مشروطیت ایران را تبیین کرده است. او، که نتوانسته است روایت و تحلیل خود از مشروطیت ایران را دقیقاً همانند فلسفه سیاسی-اقتصادی کارل مارکس و براساس رویکرد تکامل تک‌خطی استوار کند و تضاد طبقه کارگر و سرمایه‌دار یا دهقان و ملاک را در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان نشان دهد، ناگزیر بر عامل اقتصادی تمرکز کرده و تحلیل خود از جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان را براساس مؤلفه‌ها، حوادث، و انگیزه‌های اقتصادی بنا نهاده است. او با این رویکرد در روایت زمینه‌ها و عامل مؤثر در ظهور مشروطیت به عواملی چون قحطی، گرانی و کمبود نان و گوشت، تهدید منافع اقتصادی روحانیون، شورش‌های شهری با انگیزه اقتصادی، استعمار دهقانان توسط مالکان، تأثیرپذیری کارگران ایرانی شاغل در باکو از اندیشه‌های بلشویکی و حزب سوسیال-دموکرات روسیه، انگیزه‌های اقتصادی تجار، و

سرایت انقلاب روسیه به شهرهای شمالی ایران پرداخته است (ایوانف ۱۳۵۷: ۱۶-۱۷، ۲۳-۲۵) و می‌افزاید که انقلابیون ایران تحت تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بودند و کارگران مهاجر در قفقاز، تحت تأثیر سوسیال-دموکرات‌ها و بلشویک‌های روسیه، در بازگشت به ایران و در جریان انقلاب به‌دنبال «مبارزه انقلابی علیه شاه و فتودال‌ها و امپریالیسم» بودند (همان: ۲۵-۲۶).

بست‌نشینی در سفارت انگلیس از شواهد موجود در رد منشأ و جهت طبقاتی مشروطه ایران است که با هماهنگی بهبهانی مجتهد و تجار صورت گرفته بود و اقشار مختلفی از جمله تجار، طلاب، سادات، کسبه، اصناف، و پیشه‌وران هم در بست‌نشینی حضور داشتند (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۵۱؛ دولت‌آبادی ۱۳۶۱: ج ۲، ۷۱-۷۳؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۲۰؛ اوین ۱۳۶۲: ۲۱۹؛ تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۸)، مطالبه‌ای هم که در بست‌نشینی مطرح شد تشکیل «مجلس عدالت» یا درخواست «آزادی و مشروطیت و امنیت» بود (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۳۳-۴۳۴، ۴۵۱؛ تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۸-۲۹؛ شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۷۳؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۲۱). مطالبه مزبور، برخلاف انقلاب روسیه، مطالبه‌ای فراطبقاتی بود، آن‌چنان‌که از نوشته‌های تروتسکی از رهبران انقلاب روسیه برمی‌آید، هدف انقلاب اکتبر روسیه تشکیل قدرت جدید به‌رهبری پرولتاریا و کنارزدن قدرت بورژوازی بود. «صلح، زمین، نان» از شعارهای انقلاب روسیه بود که در واقع، اعلان جنگ طبقاتی علیه مالکان و کارخانه‌داران بود (پیتس‌پاتریک ۱۴۰۰: ۷۸). بلشویک‌ها پس از پیروزی ادعا می‌کردند که به‌نماینده‌گی از طبقه کارگر حکومت می‌کنند (همان: ۹۹).

به‌اعتقاد نویسندگان مقاله، انگیزه‌ها و زمینه‌های اقتصادی در ماه‌های منتهی به صدور فرمان مشروطیت بسیار بااهمیت‌اند و تحلیل‌های مارکسیستی هم افق‌های جدیدی در شناخت مشروطیت ایران گشوده‌اند، اما باید متذکر شد همان‌گونه‌که محققان تاریخ اقتصادی باور دارند، طبقات متشکل و تاریخی از جمله اشرافیت موروثی در ایران وجود نداشت. عوامل مختلف از جمله اندیشه عدالت و مساوات اسلامی و قوانین ارث در اسلام از ظهور چنین طبقه‌ای جلوگیری کرده بودند (عیسوی ۱۳۶۲: ۸۰-۸۱). در ایران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، طبقات یا به‌عبارت بهتر گروه‌بندی‌های یک‌دست و قطعی وجود نداشتند. در جامعه ایران، امکان گذار از یک گروه اجتماعی به گروه اجتماعی دیگر وجود داشت؛ یعنی این امکان وجود داشت که یک دهقان بتواند به جایگاه روحانی، بازرگان، یا وزیر تغییر مقام دهد (کوزنتسوا و دیگران ۱۳۸۶: ۷۷). پدیدآمدن طبقه فتودال-بورژوا، که پیش‌تر

به آن پرداخته شد، شاهدی بر پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسئله طبقات در ایران برخلاف نمونه اروپایی آن است.

گروه، که در سال ۱۳۲۵ق در ایران حضور داشت، گزارش قابل‌تأملی را از منشأ، فرایند، و هدف جنبش ارائه می‌کند. در گزارش او، دهقانان نقشی برعهده ندارند و هدف جنبش سرنگونی استبداد و تحقق حاکمیت ملی است. او می‌نویسد:

شروع انقلاب ناگهانی و بدون برنامه قبلی بود. هیچ تشکیلات منظمی انقلابیون را در شهرهای بزرگ رهبری نمی‌کرد... یکی از ویژگی‌های این نهضت این است که محروم‌ترین و استثمارشده‌ترین اقشار مردم، یعنی دهقانان، در آن شرکت نداشتند. نخست عدلهای روشن‌فکر، که اکثرشان نیز از تحصیلات اروپایی برخوردار بودند و از افتادن ایران به‌دست روس و انگلیس می‌ترسیدند، ندای آزادی و لزوم تغییرات اجتماعی و اقتصادی را سردادند. حرکت آنان چون جرقه‌ای بود که به قشر پایین روحانیت و طبقه بازرگانان نیز سرایت کرد و باعث شد آتش انقلاب به‌تمام معنی شعله‌ور گردد. البته از دیرباز بین طبقه بازرگانان، به‌خصوص بازرگانان مقیم تبریز، این عقیده رواج داشت که ترقی و تعالی ایران بدون سرنگونی نظام استبدادی میسر نمی‌شود. حقوق عامه و احیای مجد و عظمت ایران شعارهایی بودند که به‌زودی توده‌های محروم شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، و کرمانشاه را به‌حرکت درآورد و باعث شد آن‌ها نیز گردهمایی‌ها و تظاهراتی ترتیب دهند و سرانجام وارد مبارزه‌ای خونین گردند... آزادی‌خواهان انجمن‌های سری تشکیل دادند و درباره حق حاکمیت مردم و برانگیختن توده‌ها بحث می‌کردند (گروه ۱۳۶۹: ۲۳۳-۲۳۴).

مطالعه مدارک و شواهد نشان می‌دهد که جنبش مشروطه ایران ماهیتی طبقاتی نداشت و عامل اقتصادی هم در این جنبش نقش زیربنایی و تعیین‌کننده نداشت، بلکه باید گفت که انگیزه‌های اقتصادی نقش مکمل و تشدیدکننده داشته‌اند. در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان، ایده/ ذهن (بیداری فکری و سیاسی ملت)، و ماده/ عین (ناکارآمدی حکومت و تأثیرات عملی آن در زندگی مردم، تورم، گرانی، و منافع اقتصادی) هم‌راه باهم تأثیرگذار بودند. اقشار مختلف هم در جنبش شرکت داشتند که هدفشان محدود کردن اختیارات شاه، تحقق حاکمیت مردم، و تأمین حقوق برای ملت بوده است، درحالی‌که درمورد انقلاب روسیه، یکی از انقلاب‌های موردبررسی بریتون، لنین از رهبران انقلاب روسیه به‌دنبال درهم‌شکستن نظام پیشین حکومت و تأسیس دولتی جدید به‌رهبری طبقه کارگر بود (تروتسکی ۱۳۹۹: ۸۲۰-۸۲۱، ۹۰۹).

۵.۴ ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور

اگرچه نویسندگان مقاله حاضر با مطالعه روند حوادث معتقدند که جنبش مشروطه عمدتاً جنبشی مسالمت‌آمیز بود، جریان حوادثی که به صدور فرمان مشروطیت منتهی شد، بدون درگیری و خشونت هم نبود. حوادثی از سال ۱۳۲۳ق به بعد رقم خورد که در نهایت به شروع اعتراضات و صدور فرمان مشروطیت منجر شد. از جمله آن حوادث نارضایتی مردم و بازرگانان از نوز بلژیکی رئیس گمرکات، آشوب کرمان، ماجرای ساختمان بانک، چوب‌زدن علاءالدوله به پای بازرگانان، و واقعه مسجد شاه بود که نخستین اقدام سیدین طباطبایی و بهبهانی به‌عنوان رهبران اصلی جنبش مشروطه و مهاجرت به حرم عبدالعظیم بود (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۸-۲۹؛ کسروی ۱۳۸۵: ۵۹-۷۵؛ اوین ۱۳۶۲: ۲۱۸-۲۱۹). پس از این‌که شاه خواسته‌های مهاجران به حرم عبدالعظیم را پذیرفت، عین‌الدوله صدراعظم از اجرای مطالبات خودداری می‌کرد تا این‌که در این کشاکش‌ها سیدعبدالحمید به قتل رسید و در اعتراض به این قتل تنی چند از معترضان در تاریخ بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۴ (واقعه مسجد جامع / آدینه) به قتل رسیدند. طباطبایی و بهبهانی، رهبران جنبش، از معترضان خواستند که متفرق شوند، بازار را باز کنند، و بدون دعوت معترضان به جهاد یا اقدامی خشونت‌آمیز، در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاول به قم مهاجرت کردند (تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۵-۲۶؛ کرمانی ۱۳۹۱: ۴۰۳-۴۱۴؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۶). روز بعد ۲۴ جمادی‌الاول تجار نیز مقدمات بست‌نشینی را تدارک دیدند که در نهایت هزاران نفر به‌عنوان مقاومت منفی و درخواست میانجی‌گری از سفارت انگلیس در این سفارت بست نشستند و حکومت هم از این بست‌نشینی جلوگیری نکرد (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۳۰-۴۳۳؛ شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۷۳-۷۴؛ تفرشی حسینی ۱۳۵۱: ۲۷-۲۸). قتل سیدعبدالحمید و چند تن از معترضان در واقعه مسجد جامع / آدینه عمده‌ترین خشونت حکومت با مشروطه‌خواهان بود. جریان مشروطه‌خواهی، به‌رهبری دو مجتهد طباطبایی و بهبهانی، راه‌های مسالمت‌آمیز مانند ایستادگی بر سر مواضع، مذاکره، واسطه‌افکنی، مهاجرت، و بست‌نشینی را تعقیب می‌کرد و عاقبت نیز صدور فرمان مشروطیت نه با غلبه نظامی و درگیری مسلحانه از طرف مشروطه‌خواهان، بلکه با همین راه‌های مسالمت‌آمیز به‌دست آمد؛ با این توضیح که مذاکره و واسطه‌افکنی بین رهبران مشروطه با وابستگان حکومت و شخص شاه را شاهدیم و از جمله این مذاکرات و رای‌زنی‌هاست: واسطه‌گری شمس‌الدین بیگ، سفیر عثمانی، و انتقال خواسته‌های مهاجرت‌کنندگان، مذاکره طباطبایی با عین‌الدوله در صفر ۱۳۲۴، نامه طباطبایی

به عین‌الدوله به تاریخ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، نامه طباطبایی به مظفرالدین‌شاه، نامه ناصرالملک به طباطبایی، نامه‌های بهبهانی به سفارت انگلیس برای جلب هم‌راهی با جنبش و پذیرش میانجی‌گری بین مشروطه‌خواهان و شاه (کرمانی ۱۳۷۶: ۳۵۷-۳۵۹، ۳۷۷؛ احتشام‌السلطنه ۱۳۶۷: ۵۲۷-۵۳۱؛ دولت‌آبادی ۱۳۶۱: ج ۲، ۱۹-۲۵؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۸۵-۸۶؛ کسروی ۱۳۸۵: ۹۲-۹۴، ۹۵-۹۷، ۱۰۱-۱۰۶)، «عریضه تلگرافی علماء اعلام و حجج‌الاسلام تبریز حضور شاه» مبنی بر دل‌جویی از مهاجرین قم و اعاده محترمانه آنها به تهران (کرمانی ۱۳۷۳: ۵۳۵-۵۳۶)، نامه بست‌نشینان سفارت انگلیس به شاه تحت عنوان «عریضه ملت حضور اعلی حضرت بندگان شاهنشاه مظفرالدین‌شاه شاه خلدالله ملکه» مبنی بر درخواست موافقت شاه با تأسیس «مجلس معدلت»، نامه مهاجران قم به شاه مبنی بر درخواست تشکیل مجلس (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۳۳-۴۳۴، ۴۶۴-۴۶۵)، عریضه ارسالی طلاب و صرافان متحصن در سفارت انگلیس توسط گرانت داف به شاه، «عرض حال عمومی متحصنین در سفارت» به گرانت داف (معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۹۲، ۹۹). از همه جالب‌تر، شفاعت محمدعلی میرزای ولیعهد نزد پدرش در جلب رضایت مهاجران قم و «اعاده محترمانه» آنها و جواب مثبت مظفرالدین‌شاه است (کرمانی ۱۳۹۱: ۴۵۶-۴۵۷؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۷). براساس شواهد تاریخی، دولت انگلیس هم با مشروطه‌خواهان هم‌راهی داشت و بر دربار فشار وارد می‌کرد (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۸۱-۸۲؛ معاصر ۱۳۵۲: ج ۱، ۶۶، ۶۸، ۹۴؛ اوین ۱۳۶۲: ۲۱۴-۲۱۵؛ گروته ۱۳۶۹: ۲۳۵).

در ایامی که تحصن در قم و بست‌نشینی در سفارت انگلیس در جریان بود، عاقبت شاه عین‌الدوله را از صدارت عزل و مشیرالدوله را به‌جای او منصوب کرد و بعد عضدالملک را به‌منظور گفت‌وگو با مهاجران قم و جلب رضایت آنها برای بازگشت به تهران اعزام کرد. در مذاکرات صورت‌گرفته، مهاجران قم شرط بازگشت را صدور «دست‌خط عدالت‌خانه و مشروطیت» بیان کرده بودند. در نهایت، شاه با خواسته مشروطه‌خواهان موافقت کرد و در تاریخ چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر کرد و فرمان شاه در حضور هزاران نفر بست‌نشین در سفارت انگلیس قرائت شد و مهاجران هم در تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانی به تهران بازگشتند (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۸۱-۹۰). پس از استعفای عین‌الدوله و جای‌گزینی مشیرالدوله، اختلافاتی برسر تأمین مطالبات بست‌نشینان وجود داشت و مذاکره و رفت‌وآمدهایی بین بست‌نشینان، دربار، و گرانت داف کارگزار سفارت انگلیس در جریان بود. عاقبت مجلس مذاکره‌ای مرکب از «رجال دولت و امنای ملت» در منزل مشیرالدوله صدراعظم انجام شد:

پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی اتفاق آرا بر این قرار گرفت که فرمانی از شاه در خصوص تأسیس مجلس مبعوثان و انتخاب وکلای ملت صادر شود. پس از صدور دست‌خط، آن را به سفارت برده در حضور متحصنین قرائت شده و مردم با کمال رضایت پذیرفتند (کتاب *آبی* ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۰-۱۱؛ در این باره، بنگرید به معاصر ۱۳۵۲: ۹۴-۹۵).

کتاب *نارنجی* در مورد اقدام دولت پس از مهاجرت کبرا و بست‌نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس می‌نویسد که دولت دو راه داشت؛ یا این که جنبش را با زور سرکوب کند یا این که به سرعت تن به اصلاحات بدهد؛ «از آن جاکه به پادگان تهران، که تعداد افرادش کم و سازوبرگ آنان اندک بود، نمی‌شد امید ی بست، راه دوم انتخاب شد». عین‌الدوله از صدارت استعفا داد و با درخواست مهاجران قم موافقت شد (کتاب *نارنجی* ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۷). این که شاه به دلیل کمبود قوای نظامی به سرکوب جنبش اقدام نکرد، منطقی و مورد قبول نیست، چرا که قبلاً در ماجرای مسجد جامع / آدینه سربازان حکومت به‌روی جمعیت معترض تیراندازی کردند و چند نفر را هم کشته بودند. دو سال بعد از صدور مشروطیت نیز، محمدعلی‌شاه مجلس را به توپ بست، رهبران آزادی‌خواه را اعدام کرد، و به محاصره مقاومت تبریز پرداخت. در فاصله اعلان مشروطیت تا به توپ بستن مجلس، عده و عده نظامی موجود در تهران چندان تقویت نشده بود که بگوییم مظفرالدین‌شاه در مقایسه با پسرش، محمدعلی، قوای نظامی لازم را برای سرکوب نداشت. مسئله کاربرد زور در زمان محمدعلی‌شاه به عوامل دیگری از جمله تحریک روسیه و حمایت این کشور از محمدعلی‌شاه، درگیری مجلس و دربار، خودکامگی محمدعلی‌شاه، و برخی افراط‌ورزی‌های مشروطه‌خواهان برمی‌گردد. لذا می‌توان گفت که جنبش مشروطه، با وجود برخی خشونت‌ها، عمدتاً مسالمت‌آمیز بود و فرمان مشروطه تحت فشار و مذاکره چندجانبه صادر شد. در ماجرای مسجد جامع / آدینه حکومت خشونت‌ورزی کرد، اما جریان مذاکره و فشار از ابتدای جنبش در جریان بود و تأثیر بیش‌تری داشت. از سوی دیگر، خود مظفرالدین‌شاه، برخلاف دربار، با جنبش مخالفتی نداشت. از این رو، نمی‌توان گفت که شاه قصد سرکوب داشت، اما به دلیل فقدان قوای کافی نتوانست جنبش را سرکوب کند.

درباره کم‌وکیف صدور فرمان مشروطیت شمس‌الدین بیگ، سفیر عثمانی، گزارشی جالب دارد و می‌نویسد:

نتیجه آن شد که شاه به شدت مریض، که حکومتش هم از انتظام امور ناتوان شده و اعتمادی هم به سربازانش نداشت و به شدت با تضییقات مالی روبه‌رو شده بود، در نهایت به تاریخ ۱۴ جمادی‌الآخر سنه ۱۳۲۴... درمقابل اصرار زیادی که وجود داشت، دست‌خط تشکیل مجلس... صادر کرد (حضرتی ۱۴۰۰: سند ۹، ۲۰-۲۱).

اوین نیز می‌نویسد: «وقوع انقلاب ایران برق‌آسا بود، ولی خشونت نداشت... از آشوب‌های خون‌آلود پرهیز نمود... از آغاز دوره انقلاب، همه آشوب‌های سیاسی ایران در محیطی امن و آرام ادامه می‌یافت» (اوین ۱۳۶۲: ۲۱۶). ویشارد، با اشاره به قتل سیدعبدالحمید و درگیری سربازان حکومت با معترضان که در مسجد جامع/ آدینه اجتماع کرده بودند، روند جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان را بدون خون‌ریزی ارزیابی کرده و نوشته است: «تمام این ماجراهای سیاسی، مگر در آشوب‌هایی که در روز اول به وقوع پیوست، بدون شلیک یک تفنگ و خون‌ریزی پایان گرفت. چنین حوادثی در سایر شهرهای بزرگ بدون درگیری‌های خونین جریان یافت» (ویشارد ۱۳۶۳: ۳۳۱-۳۳۴).

در چهار انقلاب مورد مطالعه بریتون، دربار تصمیم جلدی در سرکوب انقلابیون داشت، ولی در جنبش مشروطه ایران شاه به سرکوب معترضان مصمم نبود. همان‌طور که ذکرش رفت، مشروطه‌خواهان از طریق میانجی‌گری و روش‌های مذاکره و گفت‌وگو درصدد دست‌یابی به مطالبات خود بودند. کاربرد زور درمقابل انقلابیون بیش‌تر با اقدام محمدعلی‌شاه در به‌توپ‌بستن مجلس و دوره استبداد صغیر قابل طرح است.

در فرمان چهاردهم جمادی‌الثانی، که به «فرمان مشروطیت» معروف است، به حسن‌نیت شاه در اعطای مشروطیت اشاره شده و آمده است:

و نیز مقرر می‌داریم که سواد دست‌خط مبارک را اعلان و منتشر نمایند. قاطبه اهالی از نیات حسنه ما، که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است، کم‌اینگی، مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند (شریف کاشانی ۱۳۶۲: ج ۱، ۸۶؛ کسروی ۱۳۸۵: ۱۳۰).

در اولین جلسه غیررسمی مجلس در تاریخ ۲۷ جمادی‌الآخر در مدرسه نظامیه ملک‌المتکلمین، از آزادی‌خواهان معروف، متنی را از طرف ملت قرائت کرد که در آن متن، از مظفرالدین‌شاه به‌خاطر اعطای آزادی، تشکیل مجلس، و فراهم کردن زمینه برای احقاق حقوق ملت و سلطنت و برقراری اتحاد بین ملت و دولت تشکر کرده و دعاگوی شاه شده است (میرزا صالح ۱۳۸۴: ۷۵۹-۷۶۰). هم‌راهی و صدور فرمان مشروطیت توسط

مظفرالدین شاه، علاوه بر این که گویای مسالمت آمیز بودن مشروطه ایران است، صدق مفهوم انقلاب در باب مشروطه خواهی ایرانیان را نیز با مسئله جدی مواجه می سازد.

مطلب مهم دیگر این که بر اساس فرمان مشروطیت قرار بر انتخاب نماینده از بین طبقات شش گانه بود، اما طبقه شاهزادگان به بهانه شاه دوستی به حضور در انتخابات تمایلی نشان نمی دادند. مظفرالدین شاه در تاریخ هشتم شعبان ۱۳۲۴ در بین شاهزادگان سخن رانی و آن ها را به شرکت در انتخابات ترغیب کرد و افزود که از زمان ولیعهدی در فکر تشکیل مجلس بودم، در زمان سلطنت خودم چندین بار در پی تشکیل مجلس شورا افتادم، اما هربار درباریان و صدراعظم ها موانعی تراشیدند تا این که در دوره صدارت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و با همکاری حجج اسلام فرمان تشکیل مجلس صادر شد. مظفرالدین شاه در ادامه صحبت های خود در بین شاهزادگان می افزاید:

پس همه بدانید که ما به صراحت طبع این آزادی مشروع و مجلس شورای ملی را به ملت شاهپرست خود عنایت فرمودیم و ریاست این مجلس را با نهایت شوق خودمان قبول کرده ایم و این مجلس محترم مجلس خود ماست. هرکس ضدیت با این مجلس نماید، به شخص ما ضدیت کرده (همان: ۷۶۴-۷۶۵).

سخن رانی شاه در بین شاهزادگان مسالمت آمیز بودن مشروطه، کاربرد نداشتن زور، طبقاتی نبودن آن، و ماهیت اصلاحی جنبش را در چهارچوب نظام مستقر نشان می دهد که برخلاف چهار انقلاب مورد بررسی بریتون، تغییری اساسی در ترکیب اداره کنندگان کشور و نظم مستقر به وجود نیاورد. معنی این سخن آن است که جریان مشروطه خواهی ایرانیان را باید «جنبش» نامید و اطلاق مفهوم «انقلاب»، بنابه تعریفی که بریتون ارائه می کند، برای مشروطیت ایران مصداق ندارد.

اخبار متعددی وجود دارد که نشان می دهد شاه با مشروطیت هم راهی داشته است (کسروی ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۹؛ هدایت ۱۳۸۹: ۱۴۲، ۱۴۴). پس از مرگ مظفرالدین شاه نیز صنیع الدوله، رئیس مجلس در جلسه ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۴، به دلیل اعطای آزادی و مشروطیت به ملت ایران از سوی مظفرالدین شاه، نطق تمجید آمیزی را از شاه مرحوم خوانده بود (کتاب نارنجی ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۳). در چهار انقلاب مورد بررسی بریتون، شاه با انقلابیون چنین تعاملی نداشت و انقلابیون هم چنین تقدیری از شاه خود نداشتند. در جریان حوادث انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه کناره گیری و اعدام تزار نیکلای دوم و تمام اعضای خانواده او، فرار یا دست گیری وزرای امپراتور، و تصرف نهادها و تمام پتروگراد توسط انقلابیون را

شاهدیم (فیتس‌پاتریک ۱۴۰۰: ۶۹-۷۰، ۷۲؛ تروتسکی ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۳۹-۱۴۰).
لنین در جریان انقلاب روسیه بلشویک‌ها را به قیام مسلحانه دعوت می‌کرد (فیتس‌پاتریک ۱۴۰۰: ۹۲؛ تروتسکی ۱۳۹۹: ۸۲۲-۸۲۳، ۸۲۷). انقلابیون روسیه تشکیلات سیاسی داشتند و در ادامه مبارزه «کمیته نظامی انقلابی» هم تشکیل دادند (تروتسکی ۱۳۹۹: ۷۹۳-۷۹۵). در ماه اکتبر مبارزه به شکل مسلحانه درآمد و کمیته نظامی - انقلابی شورای پتروگراد مؤسسات شهری، دولتی، و کاخ زمستانی (محل حضور و برگزاری جلسات اعضای دولت موقت) را تصرف کرد (همان: ۸۸۴-۸۸۵، ۸۹۴-۹۰۰، ۹۰۳؛ فیتس‌پاتریک ۱۴۰۰: ۶۹). سخن آخر این‌که اگر توافقی در بین نبود و اعطای مشروطیت در ایران با روش مذاکره و فشار سیاسی انجام نمی‌گرفت، چگونه امکان داشت که پس از تغییر نظام سیاسی از استبدادی به مشروطیت شاه سابق هم‌چنان بر سر کار بماند، در افتتاح مجلس حضور داشته باشد، و قانون اساسی مشروطه را امضا کند؛ این می‌رساند که اعطای مشروطه مسالمت‌آمیز بوده است و مشروطه‌خواهی ایرانیان به معنای واقعی به انقلاب منتهی نشد.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که مؤلفه‌های «رشد اقتصادی»، «تضاد طبقاتی»، «ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور» در جنبش مشروطیت ایران (۱۳۲۴ق) ملاحظه نمی‌شود. در سه مؤلفه مذکور، جنبش مشروطه ایران با چهار انقلاب مدنظر بریتون اشتراک ندارد. مؤلفه‌های «ناکارایی ماشین حکومت» و «تغییر بیعت منورالفکران» در جریان مشروطیت ایران با چهار انقلاب موردبررسی بریتون مشترک بوده و مشاهده شده‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مشروطه‌خواهی ایرانیان خاستگاهی شهری داشته و نتیجه ناکارآمدی حکومت، مشکلات اقتصادی، و بیدارگری و مبارزه منورالفکران و روحانیون مشروطه‌خواه (به‌عنوان گروه فشار موردنظر بریتون) بوده است. این مؤلفه‌ها در ایران عقبه درازی داشتند که نمایان‌گر برهم‌خوردن تعادل نظام اجتماعی سنتی ایران در مواجهه با تمدن جدید بودند که با جرقه‌هایی به جنبش مشروطه‌خواهی منتهی شدند.

در توضیح مؤلفه‌هایی که در مشروطیت ایران ملاحظه نشدند، باید گفت که حکومت و مردم در عصر مشروطه در حوزه اقتصادی با چالش جدی مواجه بودند. دیگر این‌که با وجود اهمیت بسیار انگیزه‌های اقتصادی در مشروطه‌خواهی ایرانیان، باید گفت که جامعه ایران به‌مانند چهار انقلاب موردبررسی بریتون، به دلیل درهم‌تنیدگی طبقات و پدیدآمدن

طبقه زمین‌داران شهری و هم‌چنین طرح مطالبه ملی و فراطبقاتی (تشکیل حکومت قانون)، ماهیتی طبقاتی نداشت و تضاد طبقاتی موجود بین کارگران و کارخانه‌داران یا دهقانان و ملاکان، که موتور محرکه انقلاب روسیه شد، در مشروطیت ایران دیده نشد. پس از صدور فرمان مشروطیت نیز، نظم جدیدی با رهبری طبقه خاصی شکل نگرفت. اقشار مختلف با هدف محدود کردن اختیارات شاه گردهم آمده بودند که در چهارچوب نظم مستقر به نتایجی نیز دست یافتند.

شرایط نابه‌سامان داخلی، مشکلات و منافع اقتصادی (به‌عنوان ماده/عین)، و شکل‌گیری آگاهی‌های جدید (به‌عنوان ایده/ذهن) در تحولات ایران رابطه‌ای دیالکتیک و متقابل داشتند. رابطه دیالکتیکی ذهن و عین روند مشروطه‌خواهی را شکل داد و به آن سرعت بخشید. ظهور جریان منورالفکری و «تغییر بیعت منورالفکران» را هم در چهارچوب این رابطه باید ملاحظه کرد. با این وصف حکومت قاجار، به‌غیر از مورد واقعه مسجد جامع، از قوای نظامی، پلیس، و زور استفاده نکرد. به‌کاربردن زور در مشروطه ایران مبنی بر ناکامی و ناتوانی دستگاه قاجار نبود، بلکه در نتیجه شکل‌گرفتن جریان فشار و مذاکره از طرف منورالفکران، روحانیون مشروطه‌خواه، و البته هم‌راهی شخصی شاه بود.

نتایج مقاله حاضر، علاوه بر تبیین زمینه‌های مشروطه‌خواهی ایرانیان، اشتراکات و افتراقات جنبش مشروطه ایران در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ دنیا (انگلیس، آمریکا، روسیه، و فرانسه) را نشان می‌دهد. نکته مهم این است که برعکس چهار انقلاب بزرگ، در ایران انقلاب در سطح آن چهار کشور و معادل مفهوم انقلاب مورد تعریف بریتون اتفاق نیفتاد. بریتون در تعریف انقلاب چنین می‌گوید: «جانشینی ناگهانی و شدید گروهی است که تاکنون حکومت را به‌دست نداشته‌اند، به‌جای گروهی دیگر که تا پیش‌از این متصدی اداره دستگاه سیاسی کشور بوده‌اند». بر این اساس، چنین تحولی در مشروطیت ایران اتفاق نیفتاد و می‌توان گفت که مشروطه‌خواهی ایرانیان نه «انقلاب»، بلکه «جنبش» بوده است.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: سخن.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.

تبیین جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان ... (مهدی فرجی و بهزاد قاسمی) ۲۲۵

- آفاری، جانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- ابوت، کیت ادوارد (۱۳۹۶)، *شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار: گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران ۱۸۴۷-۱۸۶۶*، ترجمه سیدعبدالحسین رئیس‌السادات، تهران: امیرکبیر.
- احتشام‌السلطنه، محمود (۱۳۶۷)، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به‌کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز: ۱۹۰۶-۱۹۰۷*، ترجمه و حواشی و توضیحات علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- ایوانف، م. س. (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه کاظم انصاری، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- براون، ادوارد (۱۳۲۹)، *انقلاب ایران: از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹*، ترجمه و حواشی احمد پژوه (مبشر همایون)، تهران: کانون معرفت.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
- بریتون، کرین (۱۳۶۳)، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نو.
- پاولویچ، م. و. تریا س. ایرانسکی (۱۳۵۷)، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه م. هوشیار، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *درمورد ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- تبریزی، میرزا یوسف‌خان (۱۳۵۶)، *یک کلمه*، به‌کوشش باقر مؤمنی، تهران: شب‌گیر.
- تروتسکی، لئون (۱۳۹۹)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه سعید باستانی، تهران: نیلوفر.
- تفرشی حسینی، سیداحمد (۱۳۵۱)، *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۹)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: فردوس.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۰)، *مشروطه ایران به‌روایت آرشیو عثمانی*، بی‌جا: لوگوس.
- خاطرات حاج‌سیاح (۱۳۵۹)، *به‌کوشش حمید سیاح*، به‌تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، تهران: فردوسی.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۱۹)، *س ۹، ش ۶*.

- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۰)، س ۹، ش ۲۸.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۱)، س ۱۰، ش ۳۱، ۳۸.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۲)، س ۱۱، ش ۲۶، ۲۹، ۳۱.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۳)، س ۱۲، ش ۲۸.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۴)، س ۱۳، ش ۲۷، ۲۸، ۳۵.
- سایکس، پرسی مولزورت (بی‌تا)، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۹۰)، *سفرنامه حاج سیاح*، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشمه.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، *واقعیات اتفاقیه در روزگار، گردآوری منصوره اتحادیه و سیروس سدوندیان*، تهران: تاریخ ایران.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، *کتاب احمد*، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شب‌گیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر؛ معروف به سفر زمستانی*، ترجمه و حواشی منوچهر امیری، تهران: توس.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۴)، *از گات‌ها تا مشروطیت: گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فتودالی، تهران: گوتنبرگ*.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه‌داری در ایران*، تهران: گوتنبرگ.
- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فیتس پاتریک، شیدا (۱۴۰۰)، *انقلاب روسیه*، ترجمه سیدحسن جزایری، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۳)، به کوشش احمد بشیری، تهران: نو.
- کتاب نارنجی؛ گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۷)، ترجمه حسین قاسمیان، به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، تهران: نور.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۷۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: پیکان.

- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۹۱)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- کوزنتسوا، ن. آ. (۱۳۵۸)، *اوضاع سیاسی و اجتماعی-اقتصادی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بین‌الملل.
- کوزنتسوا، ن. آ. و دیگران (۱۳۸۶)، *پژوهش‌هایی پیرامون تاریخ نوین ایران*، تهران: زوار.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- مالکم، سرجان (بی‌تا)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا حیرت، تهران: سعدی.
- مجدالملک، میرزا محمدخان (۱۳۲۱)، *رساله مجدییه*، به تصحیح سعید نفیسی، تهران: بانک ملی ایران.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین (۱۳۸۸)، *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ*، به کوشش محمدعلی سپانلو، تهران: آگه.
- معاصر، حسن (۱۳۵۲)، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران: مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان*، استخراج و تهیه حسن معاصر، تهران: ابن‌سینا.
- ملایی توانی، علی‌رضا (۱۳۹۹)، *تکاپو برای آزادی*، تهران: پژوهشکده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی.
- مؤمنی، باقر (۱۳۵۲)، *ایران در آستانه انقلاب مشروطیت*، تهران: شب‌گیر.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، *مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۴-۱۳۲۶: توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل*، تهران: مازیار.
- نوازی، بهرام (۱۳۸۵)، «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۲۷ و ۲۳۰.
- واتسون، رابرت گرانت (۱۳۴۸)، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۸۹)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۹)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی.

